

تاریخچه باغ فردوس؛ از مالکیت دوستعلی خان معیرالممالک تا موزه سینمای ایران

باغ فردوس در شمال شهر طی سال‌ها شاهد تغییرات و اتفاقات زیادی بوده است. ساخت آن همزمان با ساخت قصر بدشگون محمدیه در همان حوالی بود و در آن دختر ناصرالدین شاه اقامت گزید. بخشی از اتفاقات مربوط به این باغ زیبا را در گزارش ذیل مرور می‌کنیم.

به گزارش سایت خبری پرسون، محله باغ فردوس در منطقه شمیران، با عمارت و باغ فردوس دوره قاجار شناخته می‌شود. این محله که از شمال به تجریش، از جنوب به الهیه، از شرق به شریعتی و از غرب به زعفرانیه محدود می‌شود جزء مناطق مورد علاقه شاهان و درباریان قاجار بود.

نصرالله حدادی، تهران‌شناس، درباره تاریخچه و اتفاقات باغ فردوس چنین می‌گوید: «در تهران دو تا باغ فردوس داریم یکی باغ فردوس خیابان مولوی در حوالی زایشگاه شهید اکبرآبادی (زایشگاه فرح سابق) که زمانی قبرستان ۱۴ معصوم بود و امتداد پیدا می‌کرد تا سرقبرآقا که امام جمعه تهران و محل دفن او بود. بعدها در دهه ۳۰ و ۴۰ زمان خیابان کشی جدید تهران که خیابان مولوی به وجود آمد قبرستان خراب شد و محله جدیدی به نام باغ فردوس که چندان باغ هم نبود و بعدها محله جرم‌خیزی نیز شد پدید آمد. و اما باغ فردوس دیگر که هم اکنون وجود دارد در نزدیکی تجریش و همجوار موسسه دهخدا است که مرحوم دهخدا برای ترویج فرهنگ و زبان فارسی آن را بنیان گذاشت و بزرگانی همچون استاد جعفر شهیدی، استاد عبدالله انور، استاد معین و دیگر بزرگان در آنجا خدمت کردند.»

حدادی قصه بوجود آمدن باغ فردوس را این گونه شرح می‌دهد: «دوستعلی خان معیرالممالک نوه دختری ناصرالدین شاه، کتابی دارد در مدح پدربرزگش به نام «یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین شاه» شرح زندگی شاه و عادات و رفتار او را به صورت تعریف و تمجید نوشته و آخر کتاب هم یک شعر با مضمون این که «اگر نام بزرگان را خراب کنی خودت را خراب کردی» تمام می‌کند. از شواهد و قرائین این‌طور برمی‌آید که باغ فردوس حوالی سال ۱۲۲۶ شمسی ساخته شد؛ زمانی که قصر محمدیه را برای محمدشاه قاجار می‌ساختند درباریان در اطراف باغ او باغ‌های بیلاقی بنا کردند. ولی قصرمحمدیه برای شاه بدشگون بود و بعد از سکونت در این باغ فوت کرد و در همان جا پسرش ناصرالدین شاه تاجگذاری کرد. مالکین اولیه باغ فردوس دوستعلی خان معیرالممالک و ورثه او بودند.»

استمداد از معماران اصفهانی و یزدی

حدادی با بیان اینکه دوستعلی خان معیرالممالک مسجدی ساخته با همین نام (مسجد دوستعلی خان معیرالممالک) در خیابان ۱۵ خرداد غربی در کوچه ای که به شورای شهر کنونی منتهی می‌شود، می‌افزاید: «کلمه «معیر» به معنای «عیارگیر» یا عیارسنج برای کسانی به کار می‌رفت که حرفه آنها «عیاری» بود. در قدیم سکه‌هایی که در ضرباخانه ضرب می‌شد ۴ نوع بود: «طلا، نقره، مس و نیکل» که طلا و نقره را پول سفید می‌گفتند و مس و نیکل را پول سیاه یا بی‌ارزش. مثلی بود که می‌گفتند «به یه پول سیاه نمی‌ارزه» اشاره به کم ارزشی یا بی ارزشی جنس داشت. کل دوران پادشاهی قاجار این روش ضرب سکه وجود داشت بجز سال‌های پایانی دوران ناصرالدین شاه که اسکناس چاپ شد و مردم اهمیت چندانی برای آن قائل نبودند. شغل معیرالممالک این بود که در ضرباخانه مراقب عیار سکه‌ها باشد که معمولا در آن غل و غش زیاد بود. تا اواخر دوران ناصرالدین شاه و تاسیس بانک شاهی که سکه با عیار خاصی ضرب می‌شد و دیگر امکان تقلب نداشت.»

این تهران‌شناس در مورد معماری این عمارت می‌گوید: «دوستعلی خان عمارت باغ فردوس را به شیوه معماری قاجاری و با کمک معماران اصفهانی و یزدی در دو طبقه ساخت. از قسمت جنوبی باغ که به آن رشک بهشت می‌گفتند با سنگ مرمر و بصورت مطبق و ۷ طبقه با فواره و آبنا بود. بعد از فوت او این باغ به دوست محمدخان فرزندش رسید که توجهی به این باغ عمارت نکرد و پس از چند سال درختانش خشک شد و از بین رفت تا اینکه زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار این باغ را محمدولی تنکابنی که از فاتحان تهران بود از ورثه امین‌الملک خریداری کرد.»

خودکشی فاتح تهران

حدادی در باره فرجام تلخ محمدولی خان می‌گوید: «محمدولی خان تنکابنی مرد ثروتمندی بود که از رشت تا تنکابن زمین داشت و هرچه نام فامیل خلعتبری است از خاندان او هستند. گفته می‌شود اجداد او در زمان قدیم به مکه سفر کرده بودند و برای حضرت علی(ع) «خلعت» برده بودند. هنوز هم در شمال کشور وقتی برای کسی هدیه پارچه یا لباس می‌برند به آن «خلعتی» گفته می‌شود. محمد ولی خان در ماجرای مشروطه و فتح تهران نقش مهمی داشت ولی بعد از استبداد صغیر و روی کار آمدن رضا شاه بسیار تحت فشار پهلوی قرار گرفت. رضا شاه برای املاک و زمین‌های او مالیات زیاد درخواست کرد. فردی به نام «میلسپو» که یک مستشار آمریکایی بود رئیس کل مالیه ایران شد و تمام دخل و خرج کشور زیر نظر این فرد بود. محمد

ولی خان نتوانست این اوضاع را تاب بیاورد و در باغ زرگنده خود اسلحه زیر چانه خودش نشانه گرفت و خودکشی کرد. او در روزهای آخر عمر همواره این شعر را زمزمه می‌کرد: مرا عار باشد از این زندگی / که سالار باشم کنم بندگی»

محمودلی خان زمانی که باغ فردوس را خرید اوضاع آن خوب نبود. او باغ را احیا کرد، فواره و استخرهای مطابق با بازسازی و قنات باغ فردوس را نیز زنده کرد و سردری با شکوه جلوی قنات (میدان گاه فعلی باغ فردوس) ساخت. اما به دلیل بدهی به تجارتخانه طومانیانس (نخستین صرافخانه ایران که در سال ۱۲۵۷ خورشیدی فعالیت خود را آغاز کرد) باغ فردوس را به او داد و طومانیانس نیز باغ را در ازای بدهی به دولت پهلوی اول واگذار کرد.

اراضی امین‌الملک وقف سبزیکاری

یکی از مالکین باغ فردوس امین‌الملک بود که محمودلی خان تنکابنی ملقب به سپهسالار این باغ را از ورثه او خریداری کرد. حدادی می‌گوید: «امین‌الملک در محل یافت آباد کنونی اراضی زیادی داشت که بخشی از آن را در اختیار عموم مردم قرار داده بود که برای خود سبزی بکارند. هنوز هم در آن محل خیابانی به نام امین‌الملک موجود است.»

سرنوشت باغ دختر شاه

این باغ طی سال‌ها و دوره‌های طولانی از مالکی به مالک دیگر دست به دست شد تا بالاخره در سال ۱۳۵۰ ساختمان عمارت باغ به یک مرکز فرهنگی و هنری تبدیل شد و فعالیت آن تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. پس از انقلاب این باغ و عمارت در اختیار وزارت ارشاد اسلامی قرار گرفت و اکنون موزه سینمای ایران است.